

قصه‌های امین حضور

خیابان امین حضور لابه‌لای جمعیت گم می‌شود و پیدا؛ جمعیتی در هم که منظم و کشدار به نظر می‌رسد، سرما پیدای می‌کند و باد در مغازه‌ها می‌پیچد. تاکسی‌ها به‌ز حمت از میان جمعیتی که کنار خیابان در رفت‌وآمدند مسافر سوار و پیاده می‌کنند. مشتری‌ها جلو مغازه‌های پر از لوازم خانگی یا سبست می‌کنند، نگاه می‌کنند و نگاه، اجناس داخل مغازه‌ها دلبری می‌کنند و چشم مشتری‌ها را خیره. اما از داخل همین تاکسی هم می‌شود دید که مشتری‌ها بیشتر نگاه‌کننده هستند تا خریدار.

خیابان امین حضور برای خودش حکایت متفاوتی دارد. آدم‌هایی که راهی این خیابان می‌شوند انگار در بزنگاه‌های زندگی قرار می‌گیرند. آنجاهایی که زندگی برایشان فرصت یکبار تغییر را فراهم آورده تا ضروریات زندگی‌شان را باری دیگر تغییر دهند. این است که آدم‌هایی که عابر این خیابان می‌شوند هریک قصه‌ای تازه و متفاوت را با خود حمل می‌کنند. مردهی دست‌تکان می‌دهد و تاکسیی ترمز می‌کند. در باز می‌شود و سرما هل می‌خورد داخل تاکسی. مسافرها جمع‌تر می‌شوند. مرد می‌نشیند، کیف چرمی را باز می‌کند و نگاهی می‌اندازد به تراول‌ها و کیف را می‌بندد. هیچ کس سوال نمی‌کند، اما مرد جواب‌ها و حرف‌های زیادی دارد. خودش را کش می‌دهد و زبان باز می‌کند: «شصت‌ساله تهران زندگی می‌کنم و گذرم به این‌ خیابان نرفته‌ام. کاری نداشتم! چند تکه وسیله می‌خواستیم از همان دوروبر خانه تهیه می‌کردم، اما حالا می‌خواهم دختر شوهر بدهم، چندروزه آواره این خیابان شده‌ام، هر چه می‌گردم بیشتر سرگردان می‌شوم.»

مرد تندوتند حرف می‌زند. انگار دارد با خودش واگویه می‌کند. تاکسیی گاهی ترمز می‌کند و مسافر سوار و پیاده می‌کند، اما مرد اهمیتی نمی‌دهد که مخاطبانش تغییر می‌کنند. انگار دارد برای خودش حرف می‌زند. «دبیر بازنشسته آموزش‌وپرورش، ۲۵ میلیون تومان شده است پاداش پایان خدمتم، آمده‌ام این پول را بدهم جهاز. اما فقط می‌توانم با این پول یخچال و گاز و ماشین لباس‌شویی بخرم.» با انگشت راسته خیابان امین حضور را نشان می‌دهد: «ببینید مغازه‌ها پر از جنس است، اما برای خریدشان کلی پول لازم است. یک جهاز معمولی چیزی حدود ۱۰۰ میلیون تومان خرجش می‌شود.»

حرف‌های مرد تمامی ندارد. تاکسی می‌ایستد. خیال پیاده شدن دارد. در باز می‌شود، باد سرد قل می‌خورد میان موهای جوگندمی‌اش. تاکسیی از کنار مرد می‌گذرد. مرد در میدان منیریه خود را در پالتوش بیشتر فرو می‌برد و همچنان با خود درد دل می‌کند.

تصحیح و بوزش

در شماره ۴۰ آتیه‌نو، در صفحه دیالوگ، در گزارش «کارگزاری‌های بیمه‌ای، عصای دست بیمه‌شدگان و کارفرمایان» به‌اشتباه عکسی از شعبه شهید مدرس ویژه نهاده‌ا استفاده شده بود. در صفحه آخر و در قسمت عکس‌نوشت نیز متأسفانه به علت مشکل فنی، عکس دارای خطای گرافیکی است. بابت این دو خطا از خوانندگان گرامی آتیه‌نو و کارکنان پرتلاش کارگزاری‌ها و شعب تامين اجتماعی پوزش می‌طلبیم.

آغاز به کار نخستین تلویزیون اینترنتی کشور

سرویس پخش اینترنتی برنامه‌های تلویزیون به همت شرکت باران تلکام با همکاری سازمان صداوسیما آغاز به کار کرد.به گزارش ایسنا، این سرویس در حال حاضر قابلیت پخش همه شبکه‌های تلویزیونی موجود را با کیفیت پخش محتوا و بیشترین سرعت اتصال به اینترنت داراست. سرویس آیو باکس رایگان است و در آینده برای خدمات ارزش افزوده و یا دیگر خدماتی که به آن مجهز می‌شود، با هماهنگی سازمان صداوسیما هزینه‌ای با در نظر گرفتن حداقل‌ها دریافت خواهد شد.تلویزیون اینترنتی به گونه‌ای است که مخاطب می‌تواند فهرست برنامه‌های موجود صداوسیما را مشاهده کندو خود آنچه‌را می‌خواهد انتخاب و در زمان دلخواه تماشا کند.امکانات این سرویس به نشانی اینترنتی www.aionet.ir قابل دریافت است.

۱۶ | اکتیبنو

برگزاری هفته فرهنگی ایران در پاریس

• رویداد •	
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div></div><div><div></div></div></div><div><div><div></div></div><div><div></div></div></div><div><div><div></div></div><div><div></div></div></div></div></div></div>	<p>هفته فرهنگی ایران همزمان با سفر حجت‌الاسلام‌المسلمین دکتر حسن روحانی رئیس‌جمهور به فرانسه در پاریس برگزار شد. به گزارش ایرنا، در آستانه فرارسیدن سی و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و همزمان با سفر دکتر حسن روحانی رئیس‌جمهوری کشورمان به فرانسه، هفته فرهنگی ایران با مشارکت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و</p>



نقش کارگران، به‌عنوان یکی از نقش‌های تاثیر گذار در شکل‌گیری انقلاب اسلامی، انکارناپذیر است. قبل از انقلاب، کارگران همواره به‌عنوان حامیان اصلی جهتگیری‌های ظلم‌سستیزانه و عدالت‌خواهانه امام خمینی (س) در میان توده مردم در مبارزات سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ همواره در صحنه بودند. در جریان پیروزی انقلاب نیز اعتصاب‌های کارگران صنایع، به‌ویژه کارگران شرکت نفت، از دلایل اصلی فروپاشی رژیم شاهنشاهی ارزیابی شده است. بعد از سال ۱۳۵۷ نیز این قشر زحمتش و بزرگ جامعه، که به

• اکبر شوکت •

• فعال کارگری •

همراه خانواده‌هایشان بیش از نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد، بیشترین زحمات را برای حفظ انقلاب کشید. حضور همه‌جانبه در تظاهرات، راهپیمایی‌ها، انتخابات و از سال ۱۳۵۹ حضور در جبهه جنگ تحمیلی و حضور در کارخانه‌های بخش صنعت و تولید، و حضور دلاورانه کارگران نفت و پتروشیمی در زیر بمباران رژیم بعث، گوشه‌هایی از رشادتهای این قشر بزرگ است. شاید یکی از فداکاری‌های این قشر در طول سال‌های انقلاب و جنگ، که هم‌اینگ تبدیل به بزرگ‌ترین مشکل این قشر شده، گذشت کارگران از مزد واقعی‌شان باشد. آن‌ها به دلایل شرایط جنگ و تحریم همواره از حق قانونی خود در این مورد گذشته‌اند و فاصله فراوان بین مزد کنونی کارگران و خط فقر نشان‌دهنده این اپثار و فداکاری است. متأسفانه دولت‌ها بعد از جنگ، حتی در شرایط

• عکس نوشت •

۱۲ • بهمن •

همه آن سال‌ها با عکس‌هایت زندگی کردیم، عکس‌هایی در پلی‌کپی‌های سیاه‌وسفیداعلامیه‌ها، و با نوارهایی که صدايت را می‌شنیدیم. آمدی و با آمدنت دنیای سیاه‌وسفید ما رنگی شد. از پلکان هواپیما که قدم به خاک عزیزمان گذاشتی، گویی خورشید طلوع کرد. اما ما، تو آرزوی نسلی بودی که همه آمال و آرزوهایش را به آمدنت و به تحقق عدالت گره زده بود. عدالتی مبتنی بر عدالت علوی و استقرار حکومت اسلامی، حکومتی که شیعه ۱۴۰۰ سال در حسرتش بی‌تاب بود. اما ما، تو آمدی تا با آمدنت به نسل‌های آینده بگویی برای تحقق عدالت هرگز تسلیم ظالم نشوند. درس تو تنها برای مشتاقانت در فرودگاه مهرآباد ۵۷ نبود، درسی بود برای همه بشریت و همه نسل‌ها. آمدنت همیشه تازه است. مثل بهار. خوش آمدی آقا.



روحانی در جریان دیدار با رهبر معظم انقلاب

کارگران، پشتوانه انقلاب

مساعد کشور که شاهد رشد و شکوفایی در منابع مالی بودیم، اکنون که باید و شاید در جبران حقوق این قشر بزرگ موفق نبوده‌اند. با توجه به رهنمودهای امام راحل (س) که همواره انقلاب را متعلق به کارگران و قشر مستضعف می‌انسانست حداقل کاری که دولت‌مردان می‌توانند انجام دهند جبران کاهش دستمزدهای گذشته است، که متأسفانه همیشه از این امر غافل مانده‌اند. به هر حال آسیب‌های اجتماعی ناشی از جنگ و تحریم و تورم در همه این دوران بر دوش کارگران و قشر پایین‌دست جامعه بوده و مجاهدت و ایثار کارگران در ایجاد، حفظ و نگهداری انقلاب بر هیچ کس پوشیده نیست. بنابراین به‌جاست در سی‌وهفتمین سالگرد انقلاب اسلامی بر آرمان‌های انقلاب در راستای تحقق عدالت اجتماعی و رسیدگی همه‌جانبه به وضعیت زندگی نیروهای مولد کشور تاکید شود.

• موسیقی •



سالار عقیلی به جشنواره موسیقی برگشت

سی‌ویکمین جشنواره موسیقی فجر از ۲۱ بهمن‌ماه تا یکم اسفندماه در تهران برگزار خواهد شد. فروش بلیت جشنواره موسیقی فجر که از پنجم بهمن‌ماه و از طریق سه سامانه آغاز شده، با استقبال بی‌نظیری مواجه شده و گروه موسیقی «چارتار» و کاوه یغمایی که قرار است ۳۰ بهمن‌ماه در این رویداد با هوادارانشان دیدار کنند تاکنون بیش از سایرین بلیت فروخته‌اند. خبر مهم دیگری که این روزها مورد توجه علاقه‌مندان به موسیقی و دنبال‌کنندگان اخبار جشنواره موسیقی فجر قرار گرفته، بازگشت سالار عقیلی به جشنواره موسیقی فجر است. به گزارش ایسنا، دبیر سی‌ویکمین دوره جشنواره موسیقی فجر خبر بازگشت سالار عقیلی به جدول اجراهای جشنواره موسیقی فجر را اعلام کرد: «این خواننده موسیقی سنتی همراه با گروه موسیقی «وزیری» به سرپرستی کیوان ساکت جمعه ۲۲ بهمن‌ماه در تالار ضامن اعلام این خبر گفت: «بعد از حواشی به‌وجودآمده درباره این خواننده، کمیته نظارت دوره جشنواره اعلام کرد که شرایط برای حضور ایشان در جشنواره فراهم نیست؛ اما مسئولان جشنواره معتقدند که نباید با هنرمندان برخورد قه‌ری داشت.»

جشنواره هنرهای تجسمی افتتاح شد

هشتمین جشنواره بین‌المللی هنرهای تجسمی فجر با حضور علی‌میردخانی، معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، برخی از سفرای کشورهای مختلف و جمعی از هنرمندان پیشکسوت عرصه‌های مختلف هنری در موسسه فرهنگی هنری صبا افتتاح شد. به گزارش روابط عمومی هشتمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر، مراسم افتتاحیه این جشنواره ۹ بهمن‌ماه با حضور علی‌میردخانی، معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مجید ملانوروزی، مدیرکل مرکز هنرهای تجسمی، و هنرمندانی همچون نصرالله افجه‌ای، قبادشیو،ناصر آراسته، محمود عزیزی، اسماعیل خلیج، محمد فرود، عزت‌الله مهرآوران و اعضای شورای هنری این جشنواره در موسسه فرهنگی هنری صبا برگزار شد. مجتبی آقایی، دبیر کل هشتمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر، از این رویداد هنری با عنوان سال نو هنرهای تجسمی کشور یاد کرد و گفت: «سال نو هنرهای تجسمی کشور را با طراوت بهتر و متنوع‌تری شاهد هستیم که این طراوت ناشی از حضور ریش‌سفیدان و هنرمندان پیشکسوت در کنار هنرمندان جوان است که در این دوره با رویکردی تازه حضور یافته و ظرفیت هنرهای تجسمی کشور را وسعت داده‌اند.»



یکشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۹۴ • شماره چهل و یک

• ساختمان نیمه کاره- ۲۶ •

• مسعود مشایخی •

بحث‌های نیمه سیاسی و کشف اهمیت برق!

دو روز پیش حامد به ساختمان آمده بود. از دیدنش خیلی خوشحال شدم. حامد گچ کاری بیشتر ساختمان‌هایی را که من در آن‌ها کار می‌کردم انجام داده و در کار خود فوق‌العاده ماهر و زنده است. با اینکه سن و سال چندانی ندارد کار و مهارتش مانند آدم‌های با تجربه و پخته است. هنوز نوبت به آمدن حامد نرسیده، باید یک ماهی صبر کند تا سیمان کاری تمام شود و بعد برای گچ کاری بیاید. اما او بچه با معرفتی است و هر از گاهی با آمدنش خوشحالمان می‌کند. از احوالش پرسیدم، می‌گفت مدتی است کار کم شده و کار چندانی نصیبش نشده و فقط چند خرده کاری داشته که پول آن کفاف خرج و مخارج بالایی زندگیش را نمی‌دهد. مخارجی که تا چند ماه دیگر با به دنیا آمدن دومین فرزندش بیشتر خواهد شد. حامد تعریف کرد که بازار کار ساختمانی خراب است و مجبور شده با ماشین پرایدی که چند سال قبل با هزار قرض و وام خریده، در اژانس کار کند تا جبران بیکاری‌اش شود. می‌گفت‌از در آمدش تقریباً راضی بوده و خرج یومه‌اش درمی‌آمده تا اینکه دو هفته قبل یک ماشین از فرعی آمده و زده به ماشینش و کلی خسارت روی دستش گذاشته. به لطف خدا حامد صدمه زیادی ندیده ولی ماشینش که با آن خرج خانه را درمی‌آورده باید چند هفته‌ای در تعمیرگاه باشد تا دوباره سر پا شود. پولی هم که بیمه بابت خسارت به او پرداخت کرده ناچیز و از خرج ماشین کمتر است. حامد ساعتی پیشم بود و کلی با هم درد دل کردیم. قبل از ظهر بود که از همه دوستان خداحافظی کرد و رفت. واقعا از حرف‌های حامد دلم گرفت. آدمی مثل او با این همه مهارت و قابلیت چرا باید به کاری مشغول شود که به در او نمی‌خورد. البته از این دست دوستان بسیار در اطرافمان داریم که به خاطر کساد بازار ساخت‌وساز، به مشاغل مثل دل‌الی اتومبیل‌روزی آورده‌اند.

امروز در تهیه صبحانه دودستگی به وجود آمد. یک عده از دوستان موافق کنسرو بودند و عده‌ای دیگر صبحانه سالم یعنی پنیر و خیار و گوچه می‌خواستند. محمد مسئول خرید صبحانه شد و وقتی آمد از هردو نمونه گرفته بود تا همه راضی باشند. ک‌ری‌خوانی بین بچه‌های دو گروه بسیار جالب بود و باعث خنده و شادی‌مان شد. به انتخابات مجلس نزدیک می‌شویم و تقریباً همه‌جا صحبت از کاندیدا و نامزدهای انتخاباتی است.

و بین دوستان هراز گاهی بحث‌های نیمه‌سیاسی درمی‌گیرد. برخی از دوستان مثل کیان، خیلی جدی می‌شوند و در مقابل بقیه قهوا موضوع می‌گیرند. البته در انتخابات مجلس در شهر کوچکی مثل شهر ما که عموماً جنبه قومی و طایفه‌ای دارد، کمتر به توانایی نامزدها توجه می‌شود. خلاصه دوستان ما تحلیل‌های منحصر به خودشان را دارند که بعضا بسیار هوشمندانه هستند. امروز صبح برق‌های ساختمان ما و خانه‌های منطقه قطع شده بود. تا حالا کمتر توجه کرده بودیم که زندگی و کارمان چقدر به برق وابسته است. نه با لابر روشن می‌شد تا مصالح را به طبقه‌های بالا ببرد و نه سنگ فرز و دیگر دستگاه‌هایمان کار می‌کردند. توفیق اجباری دست داد تا دوباره با بچه‌ها دور هم جمع شویم. صحبت از برق شد که محسن شروع کرد به گالایه کردن از قبض‌های برق نجومی که برایش می‌آید. می‌گفت مصرف چندانی ندارد ولی پول برق زیادی برایش می‌آید. محسن از کنتورهای برق هوشمند اطلاع چندانی نداشت، برایش توضیح دادم که با کم کردن مصرف در ساعات اوج مصرف مشکلش حل خواهد شد. یاسر امروز از ما جدا شد و سر کار دیگری رفت. پسر خوبی است، مدت‌ها بود با ما کار می‌کرد و به او عادت کرده بودیم. سه سال قبل تصادف شدیدی کرد و دست و پایش شکست. مدت‌ها روی بستر افتاده بود و توانایی کار کردن نداشت. یک سالی می‌شد که از سر ناچاری دوباره به سر کار برگشته بود، اما به خاطر انجام کارهای سنگین پایش دوباره درد گرفته بود. یاسر مجبور شد کار سنگین ساختمانی را رها کند و شانشش را در نانوائی امتحان کند. دلم‌ان برایش تنگ می‌شود، ولی امیدوارم ه‌رجا که می‌رود خدا یار و یاورش باشد.